

واکاوای کارشکنی‌های داخلی در آستانه آغاز گفت وگوهای ایران و اروپا در گپ‌وگفت با ساسان کریمی

باز مذاکره و باز کوکشدن ساز مخالفت‌ها

طبق اخبار واصله، قرار است امروز (پنجشنبه) انریکه مورا، معاون دبیر کل سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا، با مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در ژنو، برای گفت‌وگو درباره طیف مختلفی از مسائل دیدار کند. براساس برنامه اعلام‌شده، بعد از دیدا با مورا، تخت‌روانچی فردا (جمعه) با نمایندگان سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در همین شهر (ژنو) دیدار خواهد کرد. بااین‌حال، هنوز حرف‌وحدیث‌ها درباره تکذیب دیدار امیرسعید ایروانی با ایلان ماسک ذیل برخی فشارها سرد نشده که با مطرح‌شدن گفت‌وگوهای ژنو دوباره رادیکال‌ها کارشکنی و مخالفت خود را آغاز کرده‌اند.



عبدالرحمن فتح‌الهی: طبق اخبار واصله، قرار است امروز (پنجشنبه) انریکه مورا، معاون دبیر کل سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا، با مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در ژنو، برای گفت‌وگو درباره طیف مختلفی از مسائل دیدار کند. براساس برنامه اعلام‌شده، بعد از دیدا با مورا، تخت‌روانچی فردا (جمعه) با نمایندگان سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در همین شهر (ژنو) دیدار خواهد کرد.

با این حال، هنوز حرف‌وحديث‌ها درباره تکذیب دیدار امیرسعید ایروانی با ایلان ماسک ذیل برخی فشارها سرد نشده که با مطرح‌شدن گفت‌وگوهای ژنو دوباره رادیکال‌ها کارشکنی و مخالفت خود را آغاز کرده‌اند. با تجربه‌ای که در دو سال پایانی دولت روحانی به دست آمد و همچنین روند مذاکرات در سه سالی که از دولت سیزدهم گذشت، به نظر نباید از انتقادات، مخالفت‌ها و اعتراض‌های رادیکال‌های داخلی به‌عنوان یک پارامتر مهم در پیشبرد و به نتیجه رسیدن مذاکرات غافل بود. اما سؤال اینجاست که اگر گفت‌وگوهای ژنو شکل جدی‌تری به خود بگیرد، واکنش جریان‌های رادیکال شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و در این صورت، آیا سرنوشت مذاکرات در دولت پزشکیان هم مانند اسلافش خواهد بود یا خیر؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، محور گفت‌وگو با ساسان کریمی، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی است که در ادامه مشروح این گپ‌وگفت را می‌خوانید.

بعد از تحریم شرکت‌های هواپیمایی و ایرلاین‌ها و نیز تحریم خطوط کشتیرانی بنادر کشور به موازات صدور قطع‌نامه پنجشنبه هفته گذشته از سوی سه کشور اروپایی عضو برجام در شورای حکام آژانس، قرار است از امروز (پنجشنبه) مذاکرات مجید تخت‌روانچی در مقام معاون سیاسی وزارت امور خارجه، ابتدا با انریکه مورا، معاون دبیر کل سرویس اقدام خارجی اتحادیه برگزار شود و فردا (جمعه) نیز با همتایان آلمانی، فرانسوی و انگلیسی خود در ژنو گفت‌وگو کند. اگرچه هنوز بحث «مذاکرات رسمی» در کار نیست و صرفاً همه‌چیز محدود به دیدار و گفت‌وگوهای اولیه است، مخالفت رادیکال‌های داخلی شروع شده است. به باورتان در چنین شرایطی اجازه ادامه کار به دولت چهاردهم داده خواهد شد تا تنش‌زدایی را با غرب و مشخصاً اروپا و آمریکا به نتیجه برساند؟

ابتدا این را بگویم که استفاده از کلمه «اجازه» در پرسش‌تان را نمی‌پسندم.

به چه دلیل؟

چون به نظر نمی‌رسد اجازه دولت و وزارت امور خارجه دست به قول شما رادیکال‌های داخلی باشد. به هر حال دولت در یک انتخابات دموکراتیک، مشروع، قانونی و رسمی انتخاب شده و به قدرت رسیده و زمام امور را به دست گرفته است که رویکرد مشخصی در همه زمینه‌ها و مشخصاً سیاست خارجی دارد. بنابراین هم آقای دکتر پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور و هم آقای دکتر عراقچی در مقام وزیر امور خارجه و سایر وزرای این دولت باید مبتنی بر خط‌مشی اعلامی خود عمل کنند که این خط‌مشی‌های دولت در چارچوب خطوط کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

ولی تأییدها و تکذیب‌های مربوط به دیدار ایلان ماسک با امیرسعید ایروانی خلاف آن چیزی را که شما تصور می‌کنید، گوشزد می‌کند؟

نه این‌گونه نیست. اینکه تصور کنیم برخی روزنامه‌ها یا روزنامه‌نگاران و برخی چهره‌های سیاسی که از جناح‌ها و جریان‌های سیاسی مشخصی، سوگیری یا ارزیابی دیگری از برخی تحولات داشته باشند، یک امر طبیعی است و در همه کشورهای انتخابات‌پایه و دموکراتیک هم چنین روندی وجود دارد. اما مسئله اینجاست که نباید این افراد و جریان‌ها از طریق اعمال فشار محل تأثیر باشند؛ یعنی نباید به این افراد و جریان‌ها اجازه داد از طریق اعلام رسانه‌ای، محل تأثیر بر دولت و مأموریت‌ها، وظایف، تصمیمات و رویکردهای وزارت امور خارجه باشند.

نکته شما در یک فضای خلأ درست است، اما هنوز بحث درباره تأییدها و تکذیب‌های دیدار ایلان ماسک و امیرسعید ابروانی سرد نشده است که به ناگاه کوکشدن ساز مخالفت‌ها برای مذاکرات ژنو را شاهدیم؟

مسئله تکذیب دیدار آقای ابروانی با ایلان ماسک از زبان آقای عراقچی آن‌گونه که مطرح شده، نبوده است، اما به هر حال دست وزارت امور خارجه و شخص وزیر در چارچوب سیاست‌های ابلاغی باید به قدری باز باشد که وزارت امور خارجه و شخص وزیر بتوانند کنشگری لازم را داشته باشند که به نظر من چنین است. یعنی به اندازه‌ای که صلاح دانسته شده و در چارچوب اجازه‌ای که به وزارت امور خارجه داده شده و مبتنی بر تصمیماتی که از مراتب بالاتر نظام گرفته می‌شود، دامنه کنشگری مؤثری برای وزارت امور خارجه تعیین شده است و این موضوع در لایه‌های بالای حاکمیت تبیین می‌شود. البته این مسئله محدود به ایران نیست و در همه کشورها نیز چنین است که وزارت امور خارجه مجری سیاست‌های کلانی است که از طریق مراتب بالاتر به آنها ابلاغ می‌شود. حالا اینکه در این بین برخی روزنامه‌نگاران، برخی روزنامه‌های چهره‌های سیاسی با فشار در فضای مجازی یا در فضای رسانه‌ای بخواهند رویکرد دولت و وزارت امور خارجه را تغییر بدهند یا در تصمیمات و اقدامات و وظایف آنها دخالت کنند، به هیچ‌وجه نه قابل قبول است و نه قابل توجیه.

من اخیراً در گفت‌وگویی که با آقای فلاح‌پیشه داشتم، نگاه چندان مثبتی به آغاز گفت‌وگوهای ژنو نداشت و دیدار روانچی با همتایان آلمانی، فرانسوی و انگلیسی خود را «بازگشت به خان اول بازی مار و پله مذاکرات و توافق» دانست. کما اینکه به گفته این نماینده ادوار مجلس، «ما در مذاکراتی تا مرحله و خان نهایی امضای توافق هم پیش رفته‌ایم، اما رادیکال‌های داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اجازه به نتیجه رسیدن مذاکرات و توافق را ندادند». حال به باور شما دولت پزشکیان می‌تواند متفاوت از دولت رئیسی و روحانی عمل کند؟

اولاً که اصلاً نمی‌توان دولت آقای رئیسی را با روحانی مقایسه کرد.

از این بابت دولت روحانی و رئیسی را با هم استفاده کردم که هم در دولت دوازدهم (دولت دوم روحانی) و هم در دولت سیزدهم (رئیسی)، هر بار که مذاکراتی صورت گرفت، رادیکال‌های داخلی اجازه به نتیجه رسیدن آن را ندادند.

اتفاقاً برعکس گفته شما در دولت آقای روحانی مذاکرات برجای به نتیجه رسید. ضمن اینکه خود مذاکرات برجای با بیشترین فشارها، مخالفت‌ها و کارشکنی رادیکال‌های داخلی همراه بود، اما با وجود تمام این فشارها و کارشکنی‌ها، دولت وقت و وزارت امور خارجه با نقش‌آفرینی آقای دکتر ظریف و دکتر عراقچی، مذاکرات را به نتیجه رساندند.

در دولت دوم روحانی چنین نبود. بود؟!

ببینید، مسئله این نیست که مذاکراتی انجام بشود و به نتیجه برسد و تصور کنیم همین که مذاکراتی را به نتیجه برسانیم همه مشکلات ما حل می‌شود. واقعیات صحنه بین‌الملل این‌گونه نیست. با توجه به موجوداتی مانند دونالد ترامپ، واقعا اقتضائات صحنه بین‌الملل چیز دیگری را یادآوری می‌کند که با یک مذاکره یا یک گفت‌وگو یا حتی یک توافق همه‌چیز حل خواهد شد. ضمناً اینکه برای یک توافق سیاسی چه سرنوشتی رقم می‌خورد، سناریوهای مختلفی وجود دارد که بر پایه همان اقتضائات و واقعیات صحنه بین‌الملل خواهد بود. برخی از مذاکرات سرنوشت خوبی پیدا می‌کنند و برخی هم نه؛ اینجا مسئله چیز دیگری است.

پس مسئله چیست؟

اینکه دامنه کنشگری دولت، دستگاه وزارت امور خارجه و به‌طور کلی حاکمیت در حوزه سیاست خارجی، مشخصا در مذاکرات چگونه و تا چه اندازه‌ای خواهد بود. کمااینکه در دولت آقای روحانی و زمان مذاکرات برجامی بیشترین فشارها و کارشکنی‌ها بر دولت و وزارت امور خارجه وجود داشت، اما نهایتا توافق به نتیجه رسید. اکنون هم دولت دکتر پزشکیان و شخص آقای دکتر عراقچی همین مسیر را پیش خواهند گرفت و نه تحت فشار کسانی که قائل به مذاکرات عجولانه هستند، قرار می‌گیرند و نه در مقابل روزنامه‌ها و چهره‌هایی که قائل به بستن همه درهای گفت‌وگو هستند، تسلیم خواهند شد. واقع امر آن است که ایران با اعتمادبه‌نفس و همچنین مبانی تعریف‌شده خود، هیچ‌گاه از مذاکره، دیدار، گفت‌وگو و تنش‌زدایی فرار نکرده و همواره برای پیگیری حل اختلافات از مسیر دیپلماسی با هر طرفی، چه اروپا و چه آمریکا آماده است.

با این اوصاف، کارشکنی‌ها هم‌زمان با تلاش در جهت استارت مذاکرات می‌تواند شکل جدی‌تری به خود بگیرد تا جایی که چالش‌های جاری ادامه یابد؛ چون تا زمانی که در داخل نوعی انسجام شکل نگیرد، مذاکرات پشتوانه قوی نخواهد داشت.

ببینید، صرف انجام مذاکره و پیگیری حل اختلافات از ابزار دیپلماسی به معنای تسلیم‌شدن یا دادن امتیاز نیست. متأسفانه این برداشتی است که در داخل وجود دارد که صرف انجام مذاکره به معنای تسلیم‌شدن و دادن امتیاز است. اما مذاکره‌کردن فی‌نفسه دادن امتیاز نیست؛ یعنی این امری نیست که بخواهیم مذاکره‌کردن را به طرف مقابل بفروشیم و این تصور را داشته باشیم که همین که پای میز مذاکره با شما حاضر شده‌ایم، حتما اروپا یا آمریکا باید به ما امتیاز بدهد. خیر این‌گونه نیست. اصلا این دست دیدارها، مذاکرات و گفت‌وگوها برای این انجام می‌شود که طرف‌ها ارزیابی جامعی از همدیگر داشته باشند. شاید واقعا سطح اختلافات و گسل دو طرف بسیار زیاد باشد؛ تا جایی که این گفت‌وگوها و مذاکرات به نتیجه نرسد. از این‌رو برای اینکه بفهمیم عمق اختلاف‌ها و دامنه شکاف طرفین چقدر است، باید گفت‌وگو و مذاکره کرد تا مشخص شود اصلا فاصله دو طرف چقدر است؟ واقعا این‌گونه نیست که سر نفس انجام مذاکره یا دیدار و گفت‌وگو بخواهیم کارشکنی کنیم و فشاری به دولت و دستگاه سیاست خارجی داشته باشیم. اساسا مهم‌ترین وظیفه دستگاه دیپلماسی، پیگیری حل اختلافات از طریق گفت‌وگو و مذاکره است.

در این بین، برخی معتقد به مماشات و انفعال وزارت امور خارجه و شخص وزیر در برابر رادیکال‌ها هستند. حضرت‌عالی هم قائل به چنین مماشات و انفعالی هستید؟

ماماشات از چه بابت؟

در یک مورد مشخص اینکه با تهدید و تشر یک روزنامه، وزیر سه بار اصل دیدار ماسک و ایروانی را تکذیب کند؛ درحالی‌که پیش‌تر سخنگوی وزارت امور خارجه این تکذیبیه را داشت.

همان‌گونه که من با به‌کاربردن واژه «اجازه» در سؤال اول موافق نبودم، اینجا هم استفاده از کلمه «ماماشات» یا «انفعال» از سوی وزارت امور خارجه و شخص وزیر را نمی‌پسندم. به هر حال آقای دکتر عراقچی با توجه به سابقه، تجربه و دانشی که دارند، یک دیپلمات کارکشته هستند و برای انجام هر اقدام و پیگیری هر تصمیمی، همه جوانب را در نظر می‌گیرند و در هر بزنگاهی، بهترین واکنش و بهترین موضع را اتخاذ می‌کنند. حالا اینکه در برخی مقابله‌ها، تند موضوع دیدار ایلان ماسک و آقای ایروانی، شخص دکتر عراقچی چند مرتبه این دیدار را تکذیب می‌کند، من اطلاع دقیقی از دلیل آن ندارم، اما تصورم این نیست که به خاطر فشار یا تهدید یک روزنامه یا یک چهره سیاسی بخواهد چنین واکنشی نشان دهد، بلکه موضوع به اقتضائات منافع و امنیت ملی

و همچنین رویکردهای فنی خود آقای دکتر عراقچی و وزارت امور خارجه باز می‌گردد. ضمن اینکه اگر اصل این دیدار بنا بر گفته دکتر عراقچی صورت نگرفته باشد، تکذیب چندباره شخص وزیر هم نمی‌تواند محل بحث یا انتقاد باشد. بنابراین هم بعید می‌دانم که فشار یک روزنامه یا یک چهره سیاسی باعث این واکنش آقای دکتر عراقچی شده باشد و هم اینکه بعید می‌دانم بتوان موضوع مامشات یا انفعال و تسلیم را برای دکتر عراقچی قائل بود. همان‌طور که گفتیم، وزارت امور خارجه و شخص آقای عراقچی در سمت سکندار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه تسلیم جریان‌هایی می‌شوند که به شکل عجولانه و به هر طریقی به دنبال گفت‌وگو با غرب هستند و نه به قول شما، تسلیم، مامشات و انفعالی در برابر جریان‌هایی خواهد داشت که بر بستن همه درهای گفت‌وگو تأکید دارند.

احتمال پیگیری سیاست مذاکره برای مذاکره را در دولت جدید چگونه می‌بینید. با توجه به نکته‌ای که عنوان کردید، هم سطح اختلافات ایران و اروپا آن‌قدر جدی است که با این دست دیدارها در ژنو به نتیجه نخواهد رسید و هم آنکه طیف گسترده‌ای از موضوعات از پرونده هسته‌ای تا حقوق بشر، جنگ اوکراین، جنگ خاورمیانه و... به سهم خود در شکل‌گیری مناسبات سرد ایران و قاره سبز نقش‌آفرین بوده‌اند و باعث به‌وجود آمدن این میزان از گسل بی‌سابقه در روابط دو طرف شده است. ضمن آنکه در دولت رئیسی هم راهبرد مذاکره با غرب، چه با اروپا و چه با آمریکا، بر پایه همین سیاست مذاکره برای مذاکره و فرسایشی‌کردن گفت‌وگوها با هدف خرید زمان برای تهران بود؟

نه، من چنین تصویری ندارم و مشخصاً معتقدم حداقل در دولت آقای روحانی و در دولت آقای دکتر پزشکیان، رویکرد وزارت خارجه روی مذاکره برای مذاکره یا مذاکرات فرسایشی برای خرید زمان قرار ندارد. اگر واقعیت را بخواهیم، اکنون ایران در شرایطی قرار ندارد که بتواند مذاکره برای مذاکره یا مذاکرات فرسایشی را در دستور کار قرار دهد یا بخواهد مذاکرات را برای «هیچ» انجام دهد، بنابراین اگر اکنون در دولت آقای پزشکیان تصمیم نهایی بر آن است که مذاکراتی انجام بشود، دست‌کم به دنبال حصول یک توافق یا نتیجه هستند، یعنی اراده وجود دارد.

اراده‌ای هم برای به نتیجه رسیدن مذاکره وجود دارد؟

حالا اینکه این مذاکرات، دیدارها و گفت‌وگوها به نتیجه برسد یا نرسد، موضوع دیگری است، کما اینکه هر مذاکره‌ای در دنیا می‌تواند به نتیجه برسد یا نرسد. اما دولت آقای پزشکیان و شخص آقای عراقچی چنین روحیه‌ای ندارند که بخواهند مذاکره با هدف هیچ یا مذاکره برای مذاکره را پیگیری کنند، پس تکرار و تأکید می‌کنم که اگر مذاکره انجام می‌شود، قطعاً برای حصول نتیجه خواهد بود. حالا باید ببینیم که اختلاف نظرها و عمق شکاف طرفین اجازه می‌دهد که نتیجه حاصل بشود یا خیر. رسیدن یا نرسیدن به نتیجه دلیل نمی‌شود که ما مذاکره نکنیم یا تصور کنیم که چون به نتیجه نرسیده، اصل انجام مذاکره غلط بوده است. ما باید مذاکره کنیم تا به یک ارزیابی برسیم و باید بفهمیم که عمق شکاف چقدر زیاد است و آیا زمینه و فضای برای رسیدن به نتیجه و توافق برد-برد وجود دارد یا خیر.

از گفته‌های روز سه‌شنبه محمدباقر قالیباف وام بگیرم که گفته بود «زمانی بود که در مواجهه با تهدیدات دشمنان می‌بندیم و زار را داریم؟». این جمله اشاره‌ای تلویحی به افسانه پاییز و زمستان سرد دارد که درست بعد از سفر مرداد ۱۴۰۱ جوزپ بورل در مقام مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران مطرح شد. آن زمان بورل صراحتاً عنوان کرد که بسته پیشنهادی او آخرین راه‌حل برای رسیدن به توافق است که با همین

ذهنیت رادیکال‌های داخلی در دولت سیزدهم نهایتا مذاکرات به نتیجه نرسید. اکنون هم که زمزمه گفت‌وگوهای ژنو مطرح شده، دوباره رادیکال‌ها بر طبل مذاکره‌نکردن می‌کوبند. اگرچه نگاه و رویکرد دولت رئیسی با پزشکيان قابل قیاس نیست، اما رادیکال‌های داخلی که همان رویکرد را با توانی دوچندان دارند. آیا می‌توان سرنوشتی مانند پاییز و زمستان سرد را برای مذاکرات پیش‌روی دولت پزشکيان متصور بود؟

اولا اینکه تصور کنیم تئوری پاییز و زمستان سرد از طرف چند رسانه مطرح و باعث تغییر نگاه و تصمیم دولت مرحوم رئیسی در امر گفت‌وگو با غرب شد، قدری دور از واقعیت است.

چرا؟

چون این تئوری، محوری بود که از طرف طیف نزدیکی به دولت سیزدهم مطرح شد و صرفا رسانه‌ها آن را بازگو می‌کردند. البته منکر این نیستیم که برخی رسانه‌ها همین توصیه را داشتند که براساس همین تئوری، مذاکرات با غربی‌ها را متوقف کنند. حالا اینکه این تئوری یا توصیه چقدر درست یا غلط بود، بماند زیرا گذر زمان درست یا غلط بودن آن را به‌وضوح نشان داد. اما واقع امر این است که تئوری پاییز و زمستان سرد، صرفا واکنش رسانه‌ای نبود، بلکه کنش سیاسیون و دیپلمات‌های دولت مرحوم رئیسی بود، بنابراین اکنون هم باید نگاه و نظر بخش سیاسی و دیپلماتیک دولت آقای پزشکيان را جویا شویم و براساس آن باید پیش رفت، کمااینکه در دولت آقای رئیسی هم براساس همان تئوری پاییز و زمستان سرد پیش رفتند و به آن نتیجه رسیدند و دیدیم که آن تئوری در عمل به هیچ نتیجه‌ای نرسید. اینجاست که دوباره گفته خودم را تکرار می‌کنم که طیفی معتقدند صرف انجام مذاکره یعنی باید به نتیجه ختم شود. خیر، ما اینجا تضمینی برای رسیدن به نتیجه نداریم. ما تحلیل داریم که براساس ضرورت‌ها و اقتضائات جاری کشور و مبتنی بر چارچوب کلان نظام و سیاست‌های ابلاغی مراجع بالادستی، مذاکرات را انجام دهیم. حاصل‌شدن یا حاصل‌نشدن نتیجه بعد از انجام مذاکره است، نه قبل از آن. همچنان که مذاکره‌نکردن هم تبعات خاص خود را دارد. در دولت آقای رئیسی براساس تئوری پاییز و زمستان سرد، مذاکرات را متوقف کردند و تبعات خاص خود را داشت. اکنون هم دولت دکتر پزشکيان مذاکره را در دستور کار دارد و باید ببینیم براساس تحلیل و نگاه و رویکرد دولت آقای پزشکيان، نتیجه حاصل خواهد شد یا خیر.

انتقاد جدی به تحلیل و ارزیابی شما در طول مصاحبه دارم.

از چه نظر؟

از منظر «ساختار-کارگزار» تفاوت چندانی بین ظریف، امیرعبداللهیان و عراقچی وجود ندارد و همه مجری سیاست‌های ابلاغی هستند.

به نظر من تفاوت آنها واضح است. همین که عملکرد دکتر ظریف و دکتر عراقچی را با مرحوم امیرعبداللهیان در کنار هم می‌گذاریم، تفاوت‌شان آشکار می‌شود.

ولی ظریف در مصاحبه‌ای صراحتا عنوان کرد که نقش او در حوزه سیاست خارجی تقریبا صفر است.

نه، به این شکل نگفت که نقش من در حوزه سیاست خارجی صفر است، بلکه عنوان کردند که در حوزه تعیین سیاست‌های مربوط به حوزه دیپلماتیک، دستگاه‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی نقش‌آفرین هستند و یکی از این‌ها هم وزارت امور خارجه است، یعنی تعیین و تبیین مبانی کلان سیاست خارجی صرفا دست وزارت امور خارجه نیست و وزیر امور خارجه و وزارت امور خارجه، یگانه نهاد برای ترسیم کل مبانی کلان

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیستند. در واقع وزارت امور خارجه و وزیر نقش مجری این سیاست‌های کلان را دارند.

با توجه به مجموعه نکاتی که عنوان کردید، ارزیابی‌تان از گفت‌وگوهای ژنو چیست؟ آیا واقعا دولت پزشکیان سعی دارد با تنش‌زدایی در مناسبات اروپا از قاره سبز به‌عنوان میانجی برای مذاکره بزرگ‌تر با دولت دوم دونالد ترامپ استفاده کند یا شاهد مذاکرات موازی با اروپایی‌ها هستیم؟

هیچ‌کدام.

به چه دلیل هیچ‌کدام؟

چون فعلا آنچه قرار است در ژنو اتفاق بیفتد، مذاکره جدی نیست، بلکه صرفا دیدار و گفت‌وگوهای اولیه است. من دوباره تأکید می‌کنم که انجام گفت‌وگوهای ژنو برای این است که یک ارزیابی ابتدایی از همدیگر داشته باشیم و بفهمیم که سطح اختلاف نظر طرفین چقدر است و آیا می‌توان فضا را برای ترسیم مذاکرات جدی‌تر فراهم کرد یا خیر. فعلا هیچ چیزی قطعی نیست و نمی‌توان برای گفت‌وگوهای ژنو دست‌اندرسازی یا نتیجه‌سازی کرد. ما فعلا گفت‌وگو را آغاز می‌کنیم و این گفت‌وگوهای اولیه برای ارزیابی دقیق‌تر از همدیگر است. اینکه مذاکرات برای بهبود روابط با اروپاست یا اینکه بخواهیم اروپایی‌ها را واسطه برای مذاکرات با دولت ترامپ کنیم، موضوع ثانویه است. اول باید ببینیم چه اتفاقی در ژنو می‌افتد و طرفین چه برآوردی از همدیگر دارند. این را هم باید در نظر بگیریم که صرف حضور آقای دکتر عراقچی، آقای دکتر روانچی و دکتر ظریف در دولت پزشکیان، نباید این توقع و انتظار غلط را در رسانه‌ها و افکار عمومی به وجود آورد که گفت‌وگوهای ژنو یا ادامه مذاکرات احتمالی می‌تواند به نتیجه ختم شود. به هر حال اختلاف نظر، چالش‌ها، مشکلات و شرایط حاضر در نظام بین‌الملل به شدت متفاوت از دولت رئیسی و دولت روحانی است. ما با یک شرایط کاملا جدید مواجهیم که با روی کارآمدن موجودی به نام دونالد ترامپ پیچیده‌تر، سخت‌تر و مبهم‌تر شده است. با این حال شخص آقای دکتر عراقچی و دکتر روانچی براساس منافع ملی و امنیت ملی عمل می‌کنند و نه تحت تأثیر جریان‌ها قرار می‌گیرند که عجولانه به دنبال مذاکره با غرب به هر قیمتی هستند و نه تسلیم جریان‌های تندرویی می‌شوند که سعی دارند به هر نحوی که شده، درهای دیپلماسی را ببندند.

باز هم با بخشی از گفته شما مخالفم. اینکه ما با طیف گسترده‌ای از چالش‌ها؛ از جنگ اوکراین و مسئله هسته‌ای تا حقوق بشر و تحولات خاورمیانه و بسیاری از موضوعات دیگر در به‌وجود آمدن این میزان از گسل با غربی‌ها و مشخصا اروپا مواجهیم و همین مسئله مذاکرات در دولت پزشکیان را پیچیده‌تر و سخت‌تر از روحانی و رئیسی کرده، کاملا مسجل است. اما وضعیت داخلی کشور از ناترازی انرژی تا مشکلات معیشتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... هم اجازه نمی‌دهد ما از این میزان از آزادی عمل که عنوان کردید، برخوردار باشیم و این تصور را بکنیم که فرصت نامحدودی در اختیار دولت پزشکیان است. فراموش نکنیم که حدود یک ماه دیگر دولت دونالد ترامپ روی کار می‌آید و از سوی دیگر تا مهرماه ۱۴۰۴ مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها فعال می‌شود.

نکته شما از یک جنبه درست است. نباید به واسطه اینکه سطح اختلافات بسیار زیاد است و از طرف دیگر شرایط جاری هم ضرورت می‌کند مذاکرات انجام شود، با نوعی تعجیل یا شتاب‌زدگی در مذاکرات عمل کنیم و به فوراً شروط مذاکرات را با اروپا و آمریکا مطرح کنیم تا خودمان را در «اضطرار» نشان دهیم. نه باید خودمان را در شتاب‌زدگی دیپلماتیک قرار دهیم و نه از آن طرف، فرصتی هم برای مذاکرات فرسایشی

داریم. من قبل‌تر اشاره کردم که کشور اجازه نمی‌دهد ما فرصت‌سوزی بکنیم و مذاکرات را فرسایشی کنیم. اما فراموش نکنیم اکنون اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به مراتب تندتر از سال‌های قبل هستند. میزان و شدت تحریم‌ها و همچنین لحن مقامات اروپایی و آمریکا علیه ما کاملا بی‌سابقه است و همین موضوع امر مذاکره از سوی دولت پزشکیان را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده است. به همین دلیل است که می‌گوییم نباید در رسانه‌ها نوعی فضا سازی و دستاورد سازی از گفت‌وگوهای ژنو داشت، چون در صورت حاصل نشدن نتیجه نوعی ناامیدی در جامعه شکل می‌گیرد. باید ببینیم که فضا به چه سمتی پیش می‌رود و برآوردهای اولیه طرفین از همدیگر چیست و آیا می‌توانیم زمینه برای تنش‌زدایی در روابط اروپا را انجام دهیم یا مناسبات به سمتی پیش برود که مذاکرات با آمریکا را هم کلید بزنیم یا خیر؟ چون گفتم امکان دارد اصلا گفت‌وگوها به نتیجه نرسد یا نتوانیم اروپا را واسطه مذاکره با دولت دونالد ترامپ قرار دهیم. هرچند به باور من اتحادیه اروپا میانجیگر صالحی برای گفت‌وگو با آمریکا نیست. تجربه این را نشان داده است، اما به هر حال هر سناریویی باید در یک آرامش روانی و آرامش دیپلماتیک پی گرفته شود. به همین دلیل توصیه اکید دارم «نه تعجیل و نه فرصت‌سوزی و فرسایشی کردن مذاکرات». دولت آقای پزشکیان و شخص دکتر عراقچی، آماده مذاکرات جدی نتیجه‌محور هستند. حالا اینکه یک روز طول بکشد یا ۱۰ سال، این دیگر بستگی به فضای مذاکرات دارد. مهم این است که مذاکرات، هم جدی و هم نتیجه‌محور و پیش‌رونده باشد.

برخلاف آنچه عنوان کردید، ما شاهد یک فضای ابهام یا سیاست ابهام عمدی از سوی تهران در قبال غرب هستیم. از یک سو گفت‌وگوهای ژنو و چراغ سبز برای مذاکره مطرح است و در سوی دیگر طیفی هم بر تغییر دکترین هسته‌ای مانور می‌دهند. این موج سینوسی چه معنایی می‌دهد؟ جز اینکه فضای فرسایشی در امر مذاکره و پیگیری سیاست ابهام در دستور کار است؟

اینکه برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای از تغییر دکترین هسته‌ای و ساخت سلاح اتمی می‌گویند، صرفاً یک شائبه است ...

شائبه است؟

بله، دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سیاست‌های کلان نظام کاملاً مشخص است و به ما دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیستیم، بنابراین اصلاً سیاست ابهام را نه لازم می‌بینم، نه ممکن و نه مطلوب. سیاست شفافیت در دیپلماسی بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تنش‌زدایی است، چون جمهوری اسلامی ایران چیزی برای پنهان کردن یا ابهام ندارد.

